

ارزیابی مسعود سپهر استاد علوم سیاسی از ریشه‌های اعتراضات اخیر و وضعیت استان فارس:

کانال‌های رسمی انعکاس درخواست شهروندان مسدود است

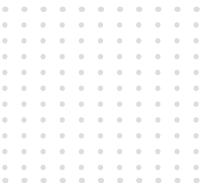
مسعود سپهر، استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد شیراز در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است در استان فارس نحوه تعامل شورای تامین و استانداری منجر به حداقلی شدن خسارات جانی اعتراضات اخیر شده است، هرچند نادیده گرفتن نقش احزاب و فعالان مدنی نقش بسیار مؤثری در گسترش اعتراضات که در سال‌های اخیر به شکلی انباشه شده بود داشته است.

ریشه‌هایی که منجر به شکل‌گیری گسترده اعتراضات در استان فارس شد و این استان را به یکی از نخستین کانون‌های اعتراضات ۱۴۰۴ تبدیل کرد، چه می‌دانید؟

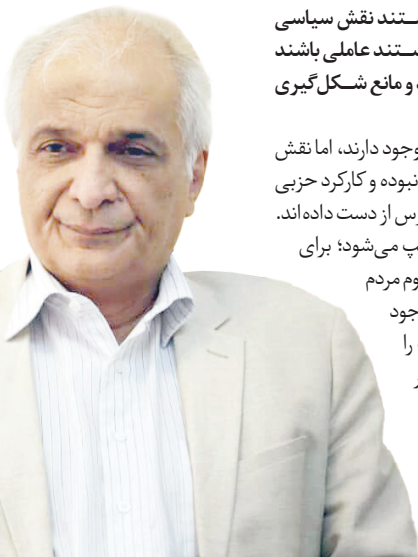
در استان‌های مختلف تفاوت معنی‌داری در شکل‌گیری اعتراضات اخیر وجود ندارد و شدت و ضعف آن می‌تواند متفاوت باشد. یک جریان عمومی اعتراض بود که همچون دیگر استان‌ها شکل گرفت. در فارس اعتراضات از شهرستان‌های کوچک آغاز شد و تفاوت‌های فرهنگی و محلی را می‌توان در تقدم و تأخر اعتراضات دخیل دانست اما در مجموع یک جریان عمومی اعتراضات رخ داد. در شهرهایی که مذهبی‌تر بودند با سرعت و شدت کمتری اعتراضات روی داد. در مورد شهر شیراز یکی از مهمترین مشکلات را باید به مهاجران و افراد حاشیه‌ای اشاره کرد که به دلیل فقر ساختاری در تنگناهای معیشتی قرار دارند. در استان فارس طبیعتاً نوع اعتراض طبقه متوسط بیشتر از نوع فرهنگی و اجتماعی است و افشار ضعیف از فقر مزمن رنج می‌برند و بیشترین تخریب‌ها نیز از سوی افراد فرودست حاشیه‌ای رخ داد که درگیر بیکاری و مشکلات معیشتی و ناامیدی ناشی از آن هستند.

در سال‌ها و دهه‌های اخیر عملکرد احزاب استان فارس به‌عنوان حلقه واسط میان مردم و دولت‌ها به چه صورت بوده است که نتوانستند نقش سیاسی و حزبی خود را ایفا کنند؟ آیا توانستند عاملی باشند که حرف مردم را به دولت‌ها برزنند و مانع شکل‌گیری اعتراضات نشوند؟

هر چند در ظاهر احزاب در کل کشور وجود دارند، اما نقش احزاب به‌ویژه بعد از سال ۸۸ دیگر مؤثر نبوده و کارکرد حزبی خود را در همه استان‌ها و در استان فارس از دست داده‌اند. این هم شامل احزاب راست و هم چپ می‌شود؛ برای مثال وقتی در استان فارس از عموم مردم سوال کنید که چه حزبی در استان وجود دارد، نه اسم یک حزب اصلاح‌طلب را می‌گویند و نه یک حزب اصولگرا را. دیگر احزاب نیز اصلاً نمود و بروزی ندارند و به رسمیت شناخته نشده‌اند. احزاب زمانی می‌توانند نقش‌آفرین باشند که در وضعیت سیاسی تعریف شده باشند. زمانی که صحبت از



باید به قانون اساسی در آزادی تجمعات عمل شود. برای مثال در شهر شیراز یک پارک در وسط شهر وجود دارد که می‌شود در آنجا مکانی را شبیه هایدپارک لندن ایجاد کرد و پلیس از سخنران حفاظت کند و افراد هر حرفی که می‌خواهند بزنند و آستانه تحمل نقد هم وجود داشته باشد. مردم بتوانند شعار محل فریادها زده شود و گوش‌های شنوا نیز آنها را بشنوند و به خانه‌های خود بروند



احزاب می‌شود گروه‌هایی هستند که می‌توانند به صورت قانونی در انتخابات نامزدی معرفی کنند و الان معرفی نامزد عملایی معنا است. تنها حزبی که در کشور به ظاهر اسمی از آن نیست اما همه جا وجود دارد، بسیج است. در کشور می‌توان گفت یک حزب وجود دارد که در همه جا پایگاه دارد، بودجه دارد و همه چیز را در اختیار دارد. اما برای مثال جبهه اصلاحات استان فارس، هیچ کار و جایگاهی ندارد. جلساتی تشکیل می‌شود اما ۳۰ حزب استان فعالیت بسیار محدودی دارند و تنها در انتخابات ریاست‌جمهوری جنب و جوشی داشتند و فکر نمی‌کنم برای آنها بتوان نقشه قائل شد. اصلاً همه دلایلی که اعتراضات به این شدت می‌رسد به دلیل سرکوب جامعه مدنی و احزاب است. زمانی که کانال‌های رسمی و مؤثر انعکاس درخواست‌ها و تبدیل شدن آنها به سیاست‌ها مسدود می‌شود، مشخصاً امکان کار در حوزه سیاست رسمی وجود ندارد. حتی در مورد احزاب اصولگرا هم این موضوع صدق می‌کند و اگر وصل باشند و به عنوان نماینده و قدرت بسیج باشند، کار آنها پیش می‌رود، اگر نه هیچ اثر و تأثیری در صحنه ندارند.

عملکرد استاندار فارس در جریان اعتراضات اخیر با توجه به اختیاراتی که دولت چهاردهم به استانداران خود تفویض کرد، در مدیریت صحنه اعتراضات چگونه بود؟ و توانسته است الگوی منحصر به فرد فارس را برای مواجهه با اعتراضات در پیش بگیرد و یا رویکرد کلانی را که حاکمیت نیز دنبال می‌کند در پیش گرفته است؟

در استان فارس از زمانی که دولت جدید روی کار آمد، استاندار تلاش کرد ارتباطاتی را برقرار کند و معاون سیاسی که منصوب کرده است از افراد مورد قبول جریان اصلاح‌طلب و مردم است و در بسیاری از موارد در حمایت از خواسته‌های عمومی حرف زده است، اما جالب است که بدانیم استاندار شدیداً تحت فشار نمایندگان است تا معاون خود را عزل کند؛ در مورد جابه‌جایی مدیران کل بسیار گرفتار فشارهای این افراد است. یعنی حتی وقتی مردم در انتخابات هم شرکت می‌کنند و به جریان دیگری رای می‌دهند و خواسته خود را از طریق جبهه اصلاحات منتقل کردند، با سد محکم نمایندگان اقلیت اصولگرا و دیگر دستگاه‌ها مواجه می‌شوند. با استاندار در این مدت صحبتی نداشتم، اما آنچه از قبل نیز در جریان بود، استاندار فارس از ابتدا نیز سعی کرد یک چهره مردمی داشته باشد و به حرف‌ها نیز گوش می‌دهد و سریعاً اگر احساس کند موضوعی خطرناک است پیگیری می‌کند و با توجه به اینکه سابقه قضایی نیز دارد و به قانون آگاه و پایبند است، در پیشبرد امور از سوی وی مؤثر بوده است. نکته دیگر در استان فارس استفاده از سلاح‌های کشنده در جریان

اعتراضات بود که توسط شورای تامین و نیروها در صحنه مدیریت شد و قویاً تأکید شد که به صورت محدود باشد و میزان تلفات، با توجه به حجم حضور و خسارت‌های توانست خیلی بیشتر باشد. اما خبرهایی که دریافت کردیم نشان می‌دهد از بالا کاملاً تأکید شده بود از ایجاد کشته و مجروح جلوگیری شود و برخورد امنیتی و پلیسی به نسبت آنچه که برای نمونه در اصفهان، کرج و مشهد شنیدیم کمتر بود و از این نظر قابل تقدیر است.

آیا نقش استانداری و شورای تامین در شدت اعتراضات و برخوردایی که شده مؤثر بود؟

آنچه که در میان افراد رخ داد، حضور افراد برای اعتراض زیاد بود و اگر بی‌تدبیری می‌شد می‌توانست کشته‌های بیشتری داشته باشد، اما در عین حال خویشتنداری شد و تلفات جانی کمتر شد اما خسارات به اموال عمومی قابل توجه است.

با چه رویکردی می‌توان شدت اعتراضات را از نوع خشونت‌بار تقلیل داد و در سطح اعتراض مدنی نگه داشت؟ نقش و وظیفه استانداری، احزاب و نمایندگان مجلس در این زمینه چیست؟

بعد از جنگ ۱۲ روزه باید رویکردی جدید اتخاذ می‌شد. من در جریان آن جنگ به صداسوسیما فارس دعوت شدم و در آنجا حرف‌هایی گفتم که مورد تقدیر مقامات امنیتی استان قرار گرفت. یکی از مهمترین حرف‌های من این بود که رویکرد صداسوسیما باید عوض شود و با مردم حرف زده شود، اما دیگر هیچ‌کس به صداسوسیما فارس دعوت نشد. الان مهمترین مشکل کشور این است که شاید ۷۰ درصد مردم اصلاً صداسوسیما را نگاه نمی‌کنند و ارتباط مردم و دولت قطع است. در نتیجه اولین اقدام باز شدن این کانال است که برای کل کشور و برای استان فارس اینکه صدای آنها شنیده شود متمرکز خواهد بود. دومین اقدام این است که به قانون اساسی در آزادی تجمعات عمل شود. برای مثال در شهر شیراز یک پارک در وسط شهر وجود دارد که می‌شود در آنجا مکانی را شبیه هایدپارک لندن ایجاد کرد و پلیس از سخنران حفاظت کند و افراد هر حرفی که می‌خواهند بزنند و آستانه تحمل نقد هم وجود داشته باشد. مردم بتوانند شعار بدهند و در همان محل فریادها زده شود و گوش‌های شنوا نیز آنها را بشنوند و به خانه‌های خود بروند. الان مهمترین مسئله این است که بخشی از جامعه در هر زمان، در هر لحظه و هر مکان می‌تواند هر نوع تجمعی را انجام دهد و بقیه به عنوان شهروند درجه دو به هر شکلی مجتمع شوند، به عنوان اغتشاشگر مورد برخورد قرار می‌گیرند. اگر مکان‌هایی در نظر گرفته شود که مردم بتوانند حرف خود را بزنند کار به این آشوب و تخریب‌ها نمی‌رسد و مردم باید بدانند پلیس برای حفاظت از حق آزادی بیان آنها حضور دارد نه برای گزارش کردن و مشکل ساختن برای آنها. باید تساهل و تسامح بالا برود و آزادی بیان و تجمعات دقیقاً رعایت شود و صداسوسیما واقعاً عملی شود تا مانند همه کشورهای متمدن دنیا کار به اینجا نرسد که هر اعتراضی تبدیل به تخریب و فضای آتش زدن اموال شود.

مطالبات همچنان باقی است

بررسی اعتراضات اخیر استان فارس و ریشه‌های بروز آن



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاست

مطالبات مردم فارس در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ روشن و مشخص بود و خواستار حل بحران‌های اقتصادی، جلوگیری از فقر دامن‌گیر بودند. به گفته فعالان سیاسی استان فارس، اعتراضات سال‌های ۹۸ و ۱۴۰۱ منجر به گذار مردم از جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا شد و مطالبه خواسته‌های بدون حلقه واسط حلاً بیش از همیشه به خیابان کشیده شد، با وجود نارضایتی عمیق مردم استان از سیاست و سیاستون، اما جریان‌های سیاسی تلاش کردند با صدور بیانیه‌هایی حمایت خود را از معترضین اعلام کنند. جبهه اصلاحات استان فارس با صدور بیانیه‌ای اعتراضات مدنی و مسالمت‌آمیز را بخشی از حقوق اساسی ملت دانست که در صورت رعایت ضوابط قانونی، حقی به رسمیت شناخته‌شده است و اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های بدون حمل سلاح را مجاز دانسته است. مجمع نمایندگان استان فارس نیز با صدور بیانیه‌ای با اشاره به اینکه مشکلات اقتصادی مردم را به‌خوبی درک کرده‌اند، آن را دغدغه نخست خود اعلام کردند. در جریان اعتراضات استان فارس، تلاش استانداران نیز متفاوت بود. حسینعلی امیری در نخستین روزهای آغاز اعتراضات با حضور در میان کسبه و بازاریان شیراز تلاش کرد تا زندها و گلایه‌های آنها را بشنود و وعده‌هایی را نیز مبنی بر به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها برای کاستن از چالش‌های اقتصادی مردم مطرح کرد. او در ادامه جلساتی را با نمایندگان اتحادیه‌ها و صنوف مختلف استان برگزار کرد و با جزئیات بیشتری، راهکارهایی را برای مدیریت شرایط ارائه کرد. از جمله اینکه بازرسی‌های صمت، اصناف و تعزیرات باید افزایش یافته و از طرفی مجازات متخلفان و برهم‌زنندگان آرایش بازار بازدارنده باشد. امیری رویکردی بسیار هوشمندانه در پیش گرفت و در روز ۱۸ دی‌ماه، همزمان با فراخوانی که برای اعتراضات در کشور صادر شده بود، یک بار دیگر دیداری را با نمایندگان اصناف و اتحادیه‌ها، معتمدین بازار، کسبه، اعضای هیئت‌مدیره اتاق اصناف و اتحادیه‌های مشاغل ترتیب داد. امیری پس از روزهای پرتلاش و اعتراضات گسترده‌ای که در کشور رخ داد در صداسوسیما استان فارس حضور پیدا کرد و با مردم سخن گفت. در سوسی دیگر ماجرا، دادستانی استان فارس رویکرد سختگیرانه‌تری در سخنان خود داشت. کامران میرحاجی دادستان عمومی و انقلاب فارس با بیان اینکه صف مطالبه‌گران از اغتشاشگران جداسـت، گفت: «مطالبه‌گری برای حل مشکلات، حق طبیعی مردم است و دستگاه‌های مسئول پیگیر آن هستند اما افرادی که با ایجاد اغتشاش و تخریب اموال عمومی و خصوصی امنیت را برهم می‌زنند، مجرمانی هستند که قاطعانه و بدون اغماض با آنان برخورد می‌شود.» سید صدرالله جلالی‌نـسب، رئیس کل دادگستری استان فارس نیز تأکید کرد که امنیت کشور بازپه‌دست عناصر هرج و مرج‌طلب و خودفروخته نیست. با این حال بی‌اعتمادی عمومی نهادهای در استان فارس نسبت به بهبود وضعیت معیشتی و عدم پایبندی نمایندگان مجلس به شعارهایی که در طی سالان متمادی داده‌اند، در کنار بسته بودن راه مطالبه‌گری با تکیه بر قدرت احزاب و نهادهای مدنی عواملی بودند که شعله اعتراضات اخیر را روشن کرد و اگر چه خیابان رو به آرامی گذاشته است، اما مطالبات با امید به پاسخگویی همچنان باقی است.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری وانت پیکان۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ شماره شاسی ۱۲۱۷۶۷۳۱ شماره موتور ۱۱۲۸۵۰۱۰۴۳۷ ایران ۱۳۸۵ج۳۱ پلاک ۳۴ ایران ۹۴۳۳۱ به‌نام حمزه مقدم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری وانت نیسان۲۰۰۰ مدل ۱۳۷۲ شماره شاسی ۰۸۰۱۰۴ شماره موتور ۰۰۴۴۰ شماره پلاک ۲۳ ایران ۱۴۹ج۳۱ به‌نام قدرت اله اکبری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پژورو مدل ۱۳۸۵ شماره شاسی ۱۵۴۱۵۲۱۴ شماره موتور ۱۱۶۸۵۰۱۷۵۳۷ ایران ۲۳ پلاک ۲۳ ایران ۱۶۷۸۳۱ به‌نام سید غلام موسوی بیده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری وانت پیکان۱۶۰۰ مدل ۱۳۶۲ شماره شاسی ۱۴۱۰۹۸۲۹ شماره موتور ۱۵۱۶۲۰۸۰۸۰ شماره پلاک ۲۴ ایران ۲۹۱۹۹۵ به‌نام جاسم حاتمیان نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پژوآردی مدل ۱۳۷۸ شماره شاسی ۰۰۷۸۷۱۳۰۹۹ شماره موتور ۲۲۳۲۷۸۱۳۴۸۲ شماره پلاک ۲۳ ایران ۷۳۳۲۷۳ به‌نام ابراهیم اباذری شهرضایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۸ شماره شاسی ۷۸۴۶۳۶۹۲ شماره موتور ۱۱۱۲۷۸۶۱۴۵۶ شماره پلاک ۵۳ ایران ۸۴۸۲۸ به‌نام ماشاله رفیعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری هیوند اکسل مدل ۱۹۹۲ شماره شاسی ۵۸۳۸۸۶ شماره موتور ۳۸۹۴۰ شماره پلاک ۶۴ ایران ۵۶۷ج۲۹ به‌نام محمدرضا زارع زردینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

سندکمپانی، برگ سبز و تسلسل اسناد محضری سواری پیکان۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۹ شماره شاسی ۰۰۷۹۴۸۰۲۰۸ شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۷۵۲۴ شماره پلاک ۴۳ ایران ۹۹۶۳۱ به‌نام قاسم جهانگیری کارویه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.